



انتشارات
بین‌المللی
گاج

آس

مجموعه کتاب‌های آموزش ساده

سرشناسه: فدایی، لیلا
عنوان و نام پدیدآور: ادبیات فارسی یازدهم (مشترک همه رشته‌ها) / لیلا فدایی
معصومه حسین زاده ثانی
مشخصات نشر: تهران: انتشارات بین‌المللی گاج؛ ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری: ۵۳۶ ص. مصور.
فروست: این کتاب از مجموعه کتاب‌های آس گاج می‌باشد.
بها: ۴۹۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۵۹-۸۳۱-۷
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبای مختصر.
شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۳۲۴۵۶

توجه: به موجب ماده‌ی
۵ قانون حمایت از حقوق
مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب
۱۳۴۸/۱۰/۱۱ کلیه‌ی حقوق این کتاب برای
انتشارات بین‌المللی گاج محفوظ می‌باشد و هیچ
شخص حقیقی یا حقوقی مق استفاده از آن
را ندارد و متلفین به موجب این
قانون تمت پیگرد قانونی
قرار می‌گیرند.

[ناشر: انتشارات بین‌المللی گاج]
[مدیر مسئول: مهندس ابوالفضل جوکار]
[معاونت علمی: مهندس محمد جوکار]
[مدیر تألیف: علیرضا مزرعتی]
[واحد پژوهش و برنامه‌ریزی کتاب‌های: آس]
[عنوان کتاب: ادبیات فارسی یازدهم (مشترک همه رشته‌ها)]
[مؤلفان: لیلا فدایی - معصومه حسین زاده ثانی]
[ناظر علمی: علی پورامن] + [نظارت بر تألیف و محتوا: ابوذر مؤمنی زاده]
[مدیر واحد فنی و گرافیک: صغری قربانی] + [نظارت بر تایپ و صفحه‌آرایی: محمد یوسفی]
[صفحه‌آرایی: فرزانه رجبی] + [اجرا: مریم ناییب - ساناز عاشقی - نیلوفر قربانی]
[کارتونیست: مجید باقرزادگان] + [رنگ‌آمیزی تصاویر: سید آرام یعقوبی] + [طراح جلد: منصور سماواتی]
[مدیر چاپ: علی مزرعتی] + [لیتوگرافی، چاپ‌خانه و صحافی: گاج]
[نوبت چاپ: اول (۱۳۹۷)] + [شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه]
[دفتر مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، بین چهارراه ولیعصر (عج)
و خیابان فلسطین، شماره ۹۱۹] + [تلفن: ۰۲۱ - ۶۴۲۰]
[سرویس پیام کوتاه (SMS): ۰۲۱ - ۴۲۵]
[صندوق پستی: ۳۷۷ - ۱۳۱۴۵]
[پایگاه اینترنتی: www.gaj.ir]
[قیمت: ۴۹۰۰۰ تومان]

مقدمه مؤلفان

♦♦♦ ماجرای یک دغدغه شیرین

سواد علمی و ارتقای کیفیت یاددهی - یادگیری هدف نهایی ما در نقشه جامع نگارش این کتاب است. فراز و فرود راهی که پیمودیم صعب لیکن دلنشین بود. کوشیدیم این کتاب منبع علمی شایسته‌ای باشد که ضمن فراهم کردن زمینه پرورش مهارت‌های دانش‌آموز، مفاهیم اساسی و پایه را در ذهن دانش‌آموز تثبیت و پایدار کند.

سازمان‌دهی مناسب محتوایی که بتواند اهداف برنامه‌های آموزشی و تربیتی مطابق با برنامه درسی آموزش زبان و ادبیات فارسی را در منابع آموزشی تکمیلی (دانش‌افزایی دانش‌آموز) فراهم کند، دقت و سعی درخور می‌طلبد. افزایش



♦♦♦ فارسی آس، چقدر خاص است؟

کتاب فارسی یازدهم، تلفیقی از ادبیات و زبان فارسی است. بدین سبب دسترسی به منبعی ادبی - علمی و همه‌جانبه را می‌طلبد. این کتاب آموزشی تکمیلی، با رعایت استانداردهای کتاب‌های درسی و پیوند بین محتوای آن با اهداف این کتاب‌ها، ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی را ارائه کند.

♦ ویژگی‌های عمومی

۱. ارائه یک منبع آموزشی و تکمیلی با ساختار بدیع و متنوع؛
۲. رعایت دقیق قواعد و التزامات زبان و خط فارسی؛
۳. ایجاد انگیزه و شوق در دانش‌آموز برای مطالعه این کتاب و سعی در توسعه سواد علمی خود؛
۴. درستی و دقت علمی در نوع بیان محتوا؛
۵. سادگی و روانی در بیان محتوا به دانش‌آموز؛
۶. سامان‌دهی و انسجام اطلاعات در تمام بخش‌های کتاب؛
۷. خلاقیت و نوآوری با ارائه روش‌های تازه هم‌سو با محیط یادگیری دانش‌آموز طبق اهداف برنامه‌های درسی؛
۸. جذابیت‌های گرافیکی و تصویری و تناسب آن با محتوای مطالب؛
۹. ایجاد محیط آموزشی مناسب در حوزه یادگیری به‌منظور توسعه، رشد و ارتقای میزان درک عمیق دانش‌آموز.

♦ ویژگی‌های خیلی خاص

۱. ارائه کتاب کامل و جامع با بیان تمام نکته‌ها و ریزه‌کاری‌های ادبیات از پایه تا کنکور؛
۲. بازگردانی تمام اشعار کتاب از شیوه بلاغی به شیوه عادی؛
۳. بیان و آموزش ساده تمام آرایه‌های ادبی و نکته‌های دستوری در هر درس؛
۴. تفکیک دقیق معنا و مفاهیم متون کتاب و گنجاندن اشعار و ضرب‌المثل‌ها به عنوان تناسب معنایی؛
۵. جداسازی قلمروهای سه‌گانه (زبانی - ادبی و فکری) و اشاره دقیق به جزئیات هر قلمرو؛
۶. توجه به ریشه‌یابی واژگان و آوردن معادل‌های فارسی برای پاسداشت بهینه زبان فارسی؛
۷. شناساندن مشاهیر بزرگ ایران و جهان و معرفی آثار آنها؛
۸. بیان برخی نکته‌های کنکوری به همراه تست‌های مربوط به کنکور سراسری؛
۹. طرح سؤالات تشریحی در قالب «کافه سؤال» در پایان هر فصل به همراه پاسخنامه تشریحی و بیان نکات مربوط به آن؛
۱۰. گنجاندن حدود ۶۵۰ تست (تألیفی - سراسری) در پایان هر فصل به همراه پاسخنامه تشریحی؛
۱۱. آموزش تصویری نکته‌های آرایه‌ای و دستوری و پاسخگویی به پرسش‌های کارگاه‌های متن‌پژوهی.

◆ مخاطبان کتاب

دانش‌آموزانی که به دنبال یک کتاب جامع و کامل فارسی یازدهم هستند، این کتاب بهترین و کامل‌ترین پیشنهاد ماست. دانش‌آموزان با این کتاب می‌توانند مطالب و مفاهیم هر درس را بیاموزند و حتی دانش خود را بسط و توسعه دهند.

یک خبر داغ: این کتاب، مجموعه عظیم و گرانمایی برای دانش‌آموزانی است که دغدغه کنکور دارند. مخاطبان خاص فارسی آس، دوستانی هستند که می‌کوشند مفاهیم را از پایه تا کنکور به صورت علمی و دقیق بیاموزند و یک یادگیری پایدار را تجربه کنند.

◆ کالبدشکافی کتاب

دُرچینه

دُرچینه در واقع ترکیبی از «دُرچ + ینه» است. دُرچ هم که به معنای «صندوقچه جواهرات» است. غرض از نامگذاری این بخش آن بوده که دانسته‌های ارزشمندی از درس در این صندوقچه قرار بگیرد. مواردی نظیر نام اثر، نام و قرن زندگی نویسنده یا شاعر، نوع ادبی اثر، نوع نثر و سبک، عناصر داستان، درون‌مایه، وزن، بحر شعر (در بخش نظم) و...

بخش آشناسازی

او را بشناس رفیق: در این بخش، اطلاعات دقیق و کوتاهی از بزرگان حوزه ادبیات بیان می‌شود. اندر حکایت کشکول او: آثار بزرگان حوزه ادبیات به صورت خاص بیان می‌شود.

کتاب‌شناسی: یک کتاب مهم که در درس آمده بیان شده و مطالبی در مورد آن ارائه می‌شود.

بخش گنجینه

دانش‌واژه: ابتدا به ریشه واژه توجه کرده‌ایم و به شناسایی واژگان (فارسی یا عربی بودن واژه یا غیر از این دو) پرداخته‌ایم.

هم‌خانواده: شناخت واژگان هم‌خانواده در درک درست معنا و مفهوم نقش به‌سزایی دارد. در اینجا هم‌خانواده واژه‌های مهم بیان می‌شود.

واژگان مهم املائی: واژه‌هایی که در کنکور ارزش املائی بالایی دارند، بیان می‌شوند.

نکته‌یابی ناب

توضیحات مفصلی درباره نکته‌های مهم و پرکاربرد کنکوری (آرایه‌ای، دستوری و مفهومی) است که در کارگاه متن پژوهی به آن اشاره کوتاهی شده است.

درس‌نامه

در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری طبقه‌بندی شده که در هر بخش موارد مربوط به آن بررسی می‌شود. بیت‌ها از شیوه بلاغی به عادی بازگردانده شده‌اند.

در بخش قلمرو فکری: معنا و مفهوم از یکدیگر تفکیک شده و در بیشتر موارد اشعار، امثال، آیه و حدیثی برای تناسب معنایی آورده شده است.

در بخش قلمرو ادبی: علاوه بر بیان آرایه‌ها، هر جا لازم بوده به آموزش نکته‌ها نیز پرداخته‌ایم. برای اشعار، قافیه، ردیف، حروف قافیه، قاعده قافیه، وزن و بحر شعر بررسی شده است. وزن، بحر و نام بحرها مورد نیاز دانش‌آموزان رشته انسانی است.

در بخش زبانی: واژه به واژه به بررسی نکته‌های دستوری پرداخته‌ایم و سعی بر آن بوده تا هیچ نکته مهم، مبهم و ناگفته باقی نماند.

کافه سؤال

در پایان هر فصل، پرسش‌های تشریحی به همراه پاسخنامه کامل تشریحی آورده شده است. این پرسش‌ها تمامی نکته‌ها و موارد مربوط به همان فصل را شامل می‌شود.

گزینه چند

در پایان هر فصل، تست‌های «تألیفی و سراسری» به همراه پاسخنامه تشریحی گنجانده شده است.

نکته‌های آس کنکوری

در آخرین بخش از کتاب، به بررسی نکته‌های مهم، کلیدی و کاربردی کنکور پرداخته‌ایم.

آموزش تصویری (QR) کدها

با قرار دادن تلفن همراه خود روی QR کدها می‌توانید به فایل صوتی و تصویری که حل تمرین‌های کارگاه متن‌پژوهی است دسترسی پیدا کنید. سعی شده تمام نکته‌های مهم دستوری و آرایه‌ای و پرکاربرد نیز در خلال حل تمرین‌ها بیان شود.

◆◆◆ سخن پایانی

ما در این کتاب کوشیده‌ایم با ارائه شیوه تازه در بیان مفاهیم و مطالب کتاب، ضمن تقویت و رشد مهارت‌های اساسی دانش‌آموز به او در شناخت استعدادهاش کمک کنیم و زمینه لازم برای پرورش بهتر آنها فراهم آوریم. خلاقیت و نوآوری در ارائه تمرین‌ها نیز گامی دیگر برای درک و تثبیت بهتر مفاهیم در ذهن دانش‌آموز است.



هرگونه پیشنهاد و انتقاد و همچنین مشاوره درسی و سؤالات علمی خود را با مؤلفان این کتاب در میان بگذارید، برای این منظور می‌توانید همه روزه از ساعت ۱۶ تا ۱۸ با تلفن ثابت ۰۲۱-۶۴۳۴۴۳۶ تماس گرفته و یا با ارسال ایمیل به آدرس Acebook@gaj.ir با مؤلفین این کتاب ارتباط برقرار کنید.

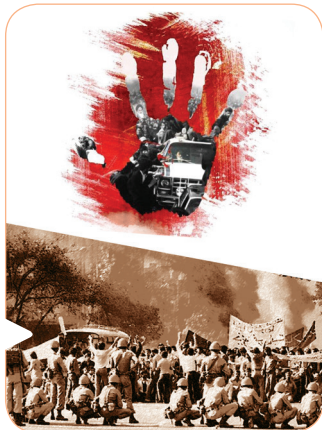
ارتباط

CONTENTS

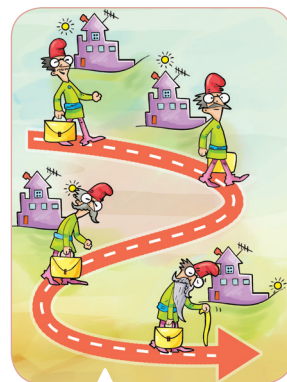
فهرست مطالب

آبس | ادبیات فارسی یازدهم

۲۸۳
فصل پنجم
ادبیات
انقلاب اسلامی



فصل یکم
ادبیات تعلیمی
۱۷



فصل دوم
ادبیات سفر و زندگی
۸۷



فصل هشتم
ادبیات جهان
۴۶۵

فصل ششم
ادبیات حماسی
۳۳۳



فصل سوم
ادبیات غنایی
۱۵۵



ضمیمه کنکوری
۵۱۱



فصل هفتم
ادبیات داستانی
۴۰۱



فصل چهارم
ادبیات پایداری
۲۱۹

فصل یکم
ادبیات تعلیمی



بیت ۱۳

بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بُود در ترازوی خویش

ترتیب ارکان: تا توانی به بازوی خویش بخور که سعیت در ترازوی خویش بُود

قلمرو فکری

♦ از قدرت و زور بازوی خودت استفاده کن، زیرا به میزان کار و تلاشی که داری از زندگی بهره می‌بری.

♦ مفهوم ← خودکفایی و تلاش در زندگی

♦ تناسب معنایی

۱- برو کار می‌کن مگو چیست کار / که سرمایه جاودانیست کار
 ۲- همت بلنددار که مردان روزگار / از همت بلند به جایی رسیده‌اند
 ۳- روزی بی‌رنج گردد تخم رنج بی‌شمار / وقت آن کس خوش که باشد رزقش از بازوی خویش

قلمرو ادبی

♦ بیت دارای آرایه تلمیح است، تلمیح به آیه قرآن: لیسَ لِلانسانِ اِلا ما سعی (نجم: ۳۹) «برای انسان بهره‌ای جز سعی و تلاش خودش نیست.»

♦ بازو ← مجاز از «قدرت، تلاش» / سعی در ترازوی خویش بودن: کنایه از «به اندازه تلاش بهره بردن» / ترازو: مجاز از «توان، اندازه»

♦ واژه‌های قافیه: «بازو، ترازو» / حروف قافیه: «و» / قاعده: ۱ / ردیف: «- خویش»

قلمرو زبانی

♦ که: زیرا که (که تعلیل) / بازو: متمم قید / خویش: مضاف‌الیه

بازوی خویش، ترازوی خویش: ترکیب اضافی / سعی: نهاد / «ت» در «سعیت»: مضاف‌الیه

♦ در ترازوی خویش: گروه مسندی

بیت ۱۴

بگیر ای جوان دست درویش پیر نه خود را بیفکن که دستم بگیر

ترتیب ارکان: ای جوان، دست درویش پیر بگیر نه خود را بیفکن که دستم بگیر

قلمرو فکری

♦ ای جوان در زندگی باید به درماندگان و انسان‌های ناتوان کمک کنی نه این‌که خودت را هم به ناتوانی بزنی تا دیگران به تو کمک کنند.

♦ مفهوم ← توصیه به کمک به دیگران و دوری از تنبلی

قلمرو ادبی

♦ پیر و جوان: تضاد / خود را افکندن: کنایه از «وانمود به ناتوانی کردن»

♦ دست گرفتن: کنایه از «یاری کردن دیگران» / دست و بگیر: واژه‌آرایی (تکرار)

♦ واژه‌های قافیه: «بگیر و بگیر» / حروف قافیه: «یر» / حروف الحاقی: — / قاعده: ۲

قلمرو زبانی

♦ جوان: منادا / درویش پیر: ترکیب وصفی / دست درویش (دست من): ترکیب اضافی / جوان، پیر: رابطه معنایی تضاد

♦ که: حرف ربط «پیوند» / خود: مفعول / بیت، چهار جمله دارد.

موضوع تاریخ بیهقی

موضوع این کتاب ایام سلطنت سبکتگین، پدر محمود غزنوی، تا اول ایام سلطان ابراهیم است که در سی مجلد نگاشته شده، اما تنها بخش‌های مربوط به سلطنت سلطان مسعود باقی مانده و به این خاطر است که به آن «تاریخ مسعودی» می‌گویند. کتاب به نام‌های دیگری نیز نامیده می‌شود، از این قرار: تاریخ آل ناصر، تاریخ آل سبکتگین، جامع‌التواریخ و ...

کتاب‌شناسی

تاریخ بیهقی یا تاریخ مسعودی

تاریخ بیهقی یا تاریخ مسعودی یا تاریخ ناصری، یکی از آثار بسیار گرانبهای نثر فارسی و تاریخ و نمودار کمال دانش و بینش و هنر نویسندگی تاریخ نگار نامدار ایران «ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی» است او دبیر سلطان محمود، سلطان محمد، سلطان مسعود، سلطان مودود و سلطان فرخزاد بود. بعد از اتمام مملکت سلطان فرخزاد انزوا اختیار کرد و به تصانیف مشغول شد. ابوالفضل بیهقی، مؤرخ و نویسنده معروف ایرانی در دربار غزنوی است که در سال ۳۸۵ هجری قمری در روستای حارث آباد بیهق در نزدیکی سبزوار متولد شد. اوایل عمرش را در نیشابور به تحصیل دانش پرداخت، سپس به سمت دبیری وارد دیوان محمود غزنوی و حکمرانان بعد از او شد و پس از درگذشت استادش، بونصر مشکان، در سال ۴۱۸ ه. ش. به سمت دبیر دیوان شاهی برگزیده شد. در روزگار عبدالرشید غزنوی، هفتمین امیر غزنوی، بیهقی به بالاترین مقام در دیوان، صاحب دیوان رسالت، رسید. وی در سال ۴۴۸ ه. ق. در سن ۴۳ سالگی شروع به نوشتن کتاب معروف خود، تاریخ بیهقی، نمود و بیست‌ودو سال از عمر خویش را بر سر نوشتن آن نهاد.



ویژگی‌های کتاب ارزشمند و تاریخی «تاریخ بیهقی»

- ◆ ارزش تاریخی و مستند بودن آن
- ◆ این کتاب در شرح جزئیات وقایع، اثری بی‌نظیر است.
- ◆ سبک ادبی و استواری و پختگی در نگارش آن
- ◆ دقت و صداقت در بیان مطالب

ویژگی‌های ابوالفضل بیهقی در نگارش تاریخ بیهقی

- ◆ تسلط کامل وی بر زبان فارسی
- ◆ وسیع و غنی بودن فرهنگ و مجموعه لغات او (اگر واژه‌نامه‌ای از کتاب او به‌وجود آوریم، تعداد بسیاری کلمات و ترکیبات را دربر خواهد گرفت).
- ◆ دقت او در به‌کار بردن کلمات و ترکیبات از هر نوع

ویژگی‌های نثر بیهقی

- ۱- در «تاریخ بیهقی» با اشخاصی روبرو می‌شویم که آن‌ها را به مدد نکته‌بینی و حُسن بیان «بیهقی» به‌تدریج می‌شناسیم.
- ۲- اوصاف بیهقی تنها از اخلاق و منش اشخاص نیست، بلکه سر و لباس و وضع ظاهر و رفتار آنان را نیز توصیف کرده است.
- ۳- علاوه بر اشخاص، گروه‌ها را نیز بسیار خوب و دقیق توصیف کرده است.

قلمرو ادبی

- ◆ از آن جهان آمده: کنایه از «از مرگ نجات یافته» / به پای شدن: کنایه از «به وجود آمدن»
- ◆ تر و تباه: مجازاً به «معنی ناخوش گشته»
- ◆ اعیان و وزیر / تر و تباه / اضطراب و تشویش / لشکری، رعیت: مراعات نظیر / لشکری، رعیت: تضاد

قلمرو زبانی

- ◆ امیر از آن جهان آمده: ترکیب وصفی (از آن جهان آمده: صفت) / جامه بگردانید ← جامه: مفعول
- ◆ تر و تباه شده بود ← تر: مسند / تباه: معطوف به مسند، نقش تبعی / و: واو عطف
- ◆ اعیان و وزیر / تر و تباه / لشکری، رعیت: رابطه معنایی تناسب / اضطراب، تشویش: رابطه معنایی مترادف
- ◆ و تر و تباه شده بود: واو حالیه ← به معنای «در حالی که» خیس و ناتوان شده بود.
- ◆ اضطرابی و تشویشی به پای شده (بود): اضطراب: نهاد / تشویش: معطوف به نهاد / به پای شده بود: فعل مرکب (حذف فعل «بود» به قرینه لفظی)
- ◆ چون پادشاه را سلامت یافتند: چون: حرف ربط (وقتی که) / را: نشانه مفعولی / سلامت: مسند
- ◆ چندان صدقه دادند که آن را اندازه نبود: چندان: قید / را: نهادی و مالکیت ← (آن، حد و اندازه نداشت)
- ◆ لشکری: صفت وندی (صفت نسبی) ← «ی»: «ی» نسبت است.
- ◆ خروش و دعا بود از لشکری و رعیت: خروش: نهاد / دعا: معطوف به نهاد (نقش تبعی) / لشکری: متمم / رعیت: معطوف به متمم (نقش تبعی) / از لشکری و رعیت: گروه مسندی ← جمله سه جزئی اسنادی گذرا به متمم (جمله سه جزئی گذرا به مسند) / برنشست: فعل پیشوندی
- ◆ خبری سخت ناخوش: گروه اسمی ← خبر: هسته / ی: وابسته پسین (ی نکره) / سخت: وابسته وابسته (قید صفت) / ناخوش: صفت بیانی (وابسته پسین)
- ◆ کاربرد جملات کوتاه و کامل (ویژگی سبکی) ← جامه بگردانید / برنشست / تر و تباه شده بود
- ◆ «نکته» قید صفت: هرگاه بین ترکیب وصفی، قیدی بیاید، به آن «قید صفت» می‌گویند. مثلاً: هوای بسیار خوب / هوای نسبتاً بد

و دیگر روز، امیر نامه‌ها فرمود به غزنین و جمله مملکت بر این حادثه بزرگ و صعب که افتاد و سلامت که به آن مقرون شد و مثال داد تا هزارهزار درم به غزنین و دوهزارهزار درم به دیگر ممالک به مستحقان و درویشان دهند، شکر این را نبشته آمد و به توقیع مؤکد گشت و مبشران برفتند.

قلمرو فکری

- ◆ معنی ← و روز دیگر (روز سه شنبه) امیر مسعود دستور داد تا نامه‌هایی بنویسند به شهر غزنین و سراسر کشور برای این حادثه بزرگ و سختی که اتفاق افتاد و سلامتی و تندرستی که با آن همراه شد و همچنین فرمان داد تا یک میلیون درهم (سکه نقره) در شهر غزنین و دو میلیون درهم در شهرهای دیگر به فقیران و نیازمندان دهند برای شکرگزاری و سپاس از این تندرستی نامه‌ها نوشته و با امضای امیرمسعود استوار و تأیید شد و بشارت‌دهندگان رفتند.

قلمرو ادبی

- ◆ غزنین: مجاز از «مردم شهر غزنین» / جمله مملکت: مجاز از «مردم همه مملکت»
- ◆ مراعات نظیر ← هزارهزار، دوهزارهزار / غزنین، جمله مملکت / مستحقان و درویشان: مراعات نظیر
- ◆ هزار و درم: تکرار (واژه آرایبی)

قلمرو زبانی

- ◆ دیگر روز: ترکیب وصفی، گروه قیدی ← هسته: روز / دیگر: وابسته پیشین (صفت مبهم) (ویژگی سبکی: جابجایی صفت و موصوف) مثال داد تا هزارهزار ... شکر این را ← «را» حرف اضافه به معنی «برای» (برای شکر این نعمت تندرستی) حادثه بزرگ: ترکیب وصفی افتاد (بر این حادثه بزرگ و صعب که افتاد): روی داد، پیش آمد (کاربرد کهن فعل)

پس جبرئیل را بفرمود که برو از روی زمین یک مشت خاک بردار و بیاور. جبرئیل برفت. خواست که یک مشت خاک بردارد. خاک گفت: «ای جبرئیل، چه می کنی؟»
گفت: «تو را به حضرت می برم که از تو خلیفتی می آفریند.»
خاک سوگند برداد به عزت و ذوالجلالی حق که مرا مبر که من طاقت قرب ندارم و تاب آن نیارم؛ من نهایت بعد اختیار کردم که قربت را خطر بسیار است.
جبرئیل، چون ذکر سوگند شنید، به حضرت بازگشت. گفت: «خداوندا، تو داناتری، خاک تن در نمی دهد.»

قلمرو فکری

- ◆ پس خداوند، به جبرئیل دستور داد که برو و از روی زمین یک مشت خاک بردار و بیاور. جبرئیل (ع) رفت. خواست که یک مشت خاک بردارد. خاک گفت: «ای جبرئیل، چه کار می کنی؟»
- ◆ (جبرئیل) گفت: «تو را به درگاه خداوند می برم تا از تو جانشینی بیافریند.»
- ◆ خاک جبرئیل را قسم داد که به بزرگی و والامقامی خداوند تو را سوگند می دهم که مرا همراه خود نبر که من تحمل نزدیکی به خداوند را ندارم و نمی توانم آن را تحمل کنم. من نهایت دوری از خدا را انتخاب کردم، زیرا قربت و نزدیکی به خدا بسیار خطر دارد.
- ◆ جبرئیل وقتی نام خدا را که خاک به آن قسم خورد شنید، به درگاه خداوند برگشت. گفت: خدایا تو داناتر هستی (خودت بهتر از من می دانی) خاک قبول نمی کند.
- ◆ **مفهوم** ← ۱- قربت را خطر بسیار است: به این مفهوم اشاره دارد که نزدیکی به درگاه و بارگاه خداوندی خطر دارد و انسان باید همواره مراقب باشد مبادا پایش بلغزد، زیرا ورود به حریم عشق، نیاز به فطرتی سالم و قلبی عاری از زنگارها دارد و نصیب هر کسی نخواهد شد. کسانی در حریم دوست وارد خواهند شد که جان پاکي داشته باشند. این مفهوم درباره خطر داشتن نزدیکی به دربار پادشاهان نیز در ادبیات فارسی به کار رفته است.
- ۲- انسان جانشین خداست بر روی زمین
- ◆ جبرئیل ← یکی از چهار فرشته مقرب خداوند (جبرئیل) که حامل وحی برای پیامبران است.
- ◆ **تناسب معنایی** ← حریم عشق را در گه بسی بالاتر از عقل است / کسی آن آستان بوسد که جان در آستین دارد

قلمرو ادبی

- ◆ خاک گفت / خاک سوگند برداد / خاک تن در نمی دهد: تشخیص، استعاره مکنیه
- ◆ ندارم، نیارم: سجع متوازی، جناس ناقص اختلافی (ناهمسان) / قرب و بعد: تضاد
- ◆ تن در ندادن: کنایه از «قبول نکردن، اطاعت نکردن» / ذکر: مجاز از سخن، حرف

قلمرو زبانی

- ◆ که من طاقت ... : «که تعلیل» به معنای «زیرا که»
- ◆ قرب و بعد: رابطه معنایی تضاد قرب، بعد / قربت را خطر بسیار است: رای مالکیت / تو داناتری: «تو داناتر هستی» ی اسنادی (فعل)
- ◆ یک مشت خاک: گروه اسمی (یک: وابسته پیشین، صفت شمارشی) / مشت: وابسته وابسته، ممیز / خاک: هسته / جبرئیل برفت ← (ویژگی سبکی) «ب» تأکید بر سر افعال ماضی / خواست ... بردارد ← فعل آغازی
- ◆ جبرئیل: منادا / می آفریند: بیافریند (کاربرد مضارع اخباری در معنی مضارع التزامی) ← ویژگی سبکی / داناتر: مسند

میکائیل را فرمود: «تو برو» او برفت. همچنین سوگند برداد. اسرافیل را فرمود: «تو برو» او برفت. همچنین سوگند برداد. برگشت. حق - تعالی - عزرائیل را بفرمود: «برو، اگر به طوع و رغبت نیاید، به اکراه و اجبار، برگیر و بیاور.» عزرائیل بیامد و به قهر، یک قبضه خاک از روی جمله زمین برگرفت، بیاورد، آن خاک را میان مکه و طائف فروکرد؛ عشق، حالی دواسبه می آمد.



۱۷ سپیده فردای گنجه با نهیب و صغیر گلوله‌های توپ روس، باز شد.

۱۸ فرزند دوم خود را با اعطای نشان ولایتعهدی راهی تبریز کرده بودند.

۱۹ چو کشتی بادپا در رود افکند.

۲۰ در آن سیمابگون امواج لرزان

۲۱ خروشان، ژرف، بی‌پهنا، کف‌آلود

(پ) مفهوم

۲۲ منظور از «خانه‌های تاریک و بی‌دریجه» و «پنجره‌های باز و نورگیر» در عبارت زیر چیست؟
«مردمی که به خانه‌های تاریک و بی‌دریجه عادت کرده‌اند، از پنجره‌های باز و نورگیر گریزان هستند.»

۲۳ منظور از «جبهه بیرون» در جمله زیر چیست؟
«با این تفاوت که در جبهه بیرون، شجاعت کارسازتر است.»

۲۴ منظور از «نویی و تازگی» در جمله زیر چیست؟
«هر چند نویی و تازگی، فکر تجاوز در سر داشت.»

۲۵ جمله زیر نشان‌دهنده چه مطلبی است؟
«شهر عرصه روز محشر را به خاطر می‌آورد.»

با توجه به بیت «شبی را تا شبی بالشگری خرد / ز تن‌ها، سر، ز سرها، خود افکند.» به پرسش‌ها پاسخ دهید.
۲۶ نهاد چه کسی است؟

۲۷ «خود» به چه معناست؟

۲۸ مفهوم جمله دوم بیت چیست؟

۲۹ قالب چهارپاره چه نوع قالب شعری است؟

۳۰ در بیت زیر دو آرایه بیابید.

اگر یک لحظه امشب دیر جنبد / سپیده‌دم جهان در خون نشیند

گزینه چند!!!!



۱- با توجه به بیت «مگو سوخت جان من از فرط عشق / خموشی است، هان اولین شرط عشق» کدام گزینه با بیت تناسب معنایی بیشتری دارد؟

- (۱) عاشقان کشتگان معشوقند / بر نیاید زکشتگان آواز
 (۲) اگر عاشقی سر مشوی از مرض / چو سعدی فرو شوی دست از غرض
 (۳) که ای مدعی عشق کار تو نیست / که نه صبرداری، نه یارای ایست
 (۴) فدایی ندارد ز مقصود چنگ / وگر بر سرش تیر بارند و سنگ

۲- در بیت «بزن زخم، این مرهم عاشق است / که بی زخم مردن غم عاشق است» کدام گزینه در بردارنده پاسخ صحیح نیست؟

- (۱) زیرا این زخم نشان دهنده وفاداری است.
 (۲) زیرا زخم خوردن در راه عشق شیرین و گوارا است.
 (۳) زیرا اگر عاشق در راه عشق دچار بلا و سختی نشود، برایش دردناک است.
 (۴) عاشقان، با زخم به آرامش می‌رسند.

۳- با توجه به بیت زیر، کدام گزینه، تناسب معنایی کم‌تری دارد؟

بزن زخم این مرهم عاشق است / که بی زخم مردن غم عاشق است

- (۱) نه تلخ است صبری که بر یاد اوست / که تلخی شکر باشد از دست دوست
 (۲) اسیرش نخواهد رهایی ز بند / شکارش نجوید خلاص از کمند
 (۳) دمام شراب الم درکشند / وگر تلخ بینند دم درکشند «الم = درد»
 (۴) خوشا وقت شوریدگان غمش / اگر زخم بینند و گر مرهمش

۴- با توجه به عبارت «و ما در سایه خورشیدی ترین مرد قرن به بارِ عام تفضل و رحمت الهی راه یافتیم و صبح روشن آزادی را به تماشا ایستاده‌ایم.»

در متن بالا، منظور از خورشیدی ترین مرد قرن کیست؟

- (۱) حضرت محمد (ص) (۲) امام زمان (عج) (۳) امام خمینی (ره) (۴) حضرت علی (ع)

۵- «آسمان با هفت دست گرم و پنهانی دف می‌زد» یعنی:

- (۱) همه پدیده‌های هستی خوشحال بودند از ...
 (۲) رعد و برق آسمان آغاز شده بود.
 (۳) دف زدن: اشاره به صدای مهیب رعد و برق دارد.
 (۴) هفت دست: کنایه از هفت رنگ رنگین‌کمان است.

۶- کدام گزینه مفهوم درست بیت را بیان می‌کند؟

از آن‌ها که خورشید فریادشان / دمید از گلوی سحر زادشان

- (۱) از آن‌هایی یاد کنیم که سحرگاه، خورشید آوازشان را شنید.
 (۲) از آن‌هایی بگوئیم که فریادشان در سحرگاهان به گوش خورشید حقیقت رسید.
 (۳) از آن‌هایی یاد کنیم که فریادشان همچون انوار خورشید در تمام جهان پیچید.
 (۴) از آن‌هایی یاد کنیم که خورشیدوار در سحرگاه آزادی، زاده شدند.

۷- کدام گزینه با رباعی زیر، تناسب معنایی کمتری دارد؟

ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش / وز تشنگی‌ات، فرات در جوش و خروش

جز تو که فرات رشحه‌ای از یمِ توست / دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش

- (۱) باز هم برکه چه دیده‌ست که مجنون شده است / آه شاید رخ ماه تو در آب افتاده‌ست
 (۲) تو ساقی کرامت و لطف و اجابتی / این آب نیست، زمزمه‌های زلال توست
 (۳) برو ای مرد! دریا چشم در راه است مشکت را / بیاور تا سکوت خیمه‌های بی‌رمق شور و شغف‌ها را
 (۴) مقصود من از کعبه و بتخانه تویی تو / مقصود تویی کعبه و بتخانه بهانه

ریشه ضرب‌المثل

زیرآب کسی را زدن

آورده‌اند: در خانه‌های قدیمی تا کمتر از صد سال پیش محلی به نام زیرآب بود. زیرآب در انتهای مخزن آب خانه‌ها بوده که برای خالی کردن آب، آن را باز می‌کردند. این زیرآب به چاهی راه داشت و روش باز کردن زیرآب این بود که کسی درون حوض می‌رفت و زیرآب را بازمی‌کرد تا لجن ته حوض از زیرآب به چاه برود و آب پاکیزه شود. در همان زمان وقتی با کسی دشمنی داشتند، برای اینکه به او ضربه بزنند، زیرآب حوض خانه‌اش را بازمی‌کردند تا کل آب تمیزی را که در حوض دارد از دست بدهد. صاحب خانه وقتی خبردار می‌شد خیلی ناراحت می‌شد، چون بی‌آب می‌ماند. این فرد آزرده به دوستانش می‌گفت: «زیرآبم را زده‌اند.»

کاربرد امروزی: این ضرب‌المثل وقتی به کار می‌رود که کسی بخواهد با نقشی قبلی، برخلاف منافع شخص دیگر عمل کند.



کلاهش پس معرکه است.

آورده‌اند: در زمان‌های گذشته، معرکه‌گیرها بر سر خیابان‌ها و کوچه‌ها بساط پهن می‌کردند و مردم به دور آن‌ها جمع شده و حرکات نمایشی این افراد را تماشا می‌کردند و مقداری هم پول به آن‌ها می‌دادند. طرز کار معرکه‌گیران به این نحو بود که وقتی بساط خود را بر روی زمین پهن می‌کردند، مردم حدود ۲ الی ۳ متر از آن‌ها فاصله می‌گرفتند تا مزاحم اجرای نمایششان نشوند. حال اگر افراد بیشتری برای دیدن نمایش به آن معرکه می‌آمدند، معرکه‌گیران از افراد حاضر درخواست می‌کردند که بنشینند تا بقیه‌ی مردم هم اجرای آن‌ها را ببینند. در این میان بعضی اوقات یکی از تماشاگران که جلوی صف معرکه‌گیری می‌نشست، کاری انجام می‌داد که حواس معرکه‌گیر را پرت می‌کرد و یا با افراد حاضر در معرکه درگیر می‌شد، یکی از افراد کلاه آن فرد مزاحم را از سرش برمی‌داشت و برای اینکه بحث و درگیری را خاتمه بدهد، به بیرون از محل معرکه‌گیری پرتاب می‌کرد. سپس آن شخص ناچار می‌شد که برای جستجوی کلاهش به بیرون از محل شعبده‌بازی برود. پس افراد دیگر به سرعت جای آن شخص را می‌گرفتند و او نمی‌توانست به جای قبلیش بازگردد.

کاربرد امروزی: این ضرب‌المثل وقتی به کار می‌رود که یک شخص با وجود تلاش زیاد نمی‌تواند به هدفش برسد.



پاسخنامه تشریحی کافه سؤال

۱

کبوتران نظر و اشاره او را سرمشق و راهنما قرار دادند.

۲

وگرنه سرزنش‌کنندگان فرصت بدگویی پیدا می‌کنند.

۳

کنایه از «گریست و اشک ریخت»

۴

جلوه‌کنان شروع به دویدن کرد.

۵

دام را پهن کرد.

۶

در زمان آسایش و آزادی همراهی کردن شایسته‌تر است.

۷

شبیبه به شتری بود که افسارش را رها کرده بودند.

۸

اعتماد یارانت نسبت به تو بیشتر می‌گردد.

۹

در حق من سستی و سهل‌انگاری نمی‌کنی

۱۰

ثقت: اعتماد، اطمینان / وقیعت: سرزنش، بدگویی / اهمال: کوتاهی کردن /

ورطه: گرداب / مهمل: بیپوده / همگنان: هم‌تا، هم‌جنسان

۱۱

ثقت: موثق، ثقه / مطوقه: طوق‌دار / موالات: ولی، والی

۱۲

۱) دل از ما بر نگیرد: ما را رها نمی‌کند.

۲) تیمار داشتن: مراقبت کردن

۳) با تجربه بودن

۴) دلش راضی نمی‌شد

۱۳

نوع ادبی: تعلیمی / نوع نثر: مرسل «گاهی مصنوع»

۱۴

عیب‌گرفتن: کنایه از سرزنش کردن

روی تازه داشتن: چهره‌گشاده

حس‌آمیزی: روی تازه

۱۵

یعنی خجالت می‌کشیدم: کنایه

به رگ غیرتم بر می‌خورد: عصبانی می‌شدم: کنایه

۱۶

این: مجاز از خوشی‌های دنیا / دنیا را به من داده‌اند: کنایه از خوشحالی زیاد

۱۷

بدان: «د»: فرایند واجی افزایش

۱۸

صیادی بدحال، خشن جامه، آن درخت: ترکیب وصفی

ترکیب اضافی: ندارد

۱۹

برادرم: معطوف به متمم و «م-م»: مضاف‌الیه / دراز: تکرار

۲۰

جمله‌دعایی

۲۱

زاویه دید: سوم شخص / درون مایه: قناعت ورزی و خرسندی

۲۲

ص ی د / صیاد، صید، صیدگاه

۲۳

خوش، نزه، درفشان

۲۴

متصید: نهاد / مرغزار: معطوف به نهاد / دَم: متمم، نهاد

۲۵

مانستی: می‌مانست (می‌ماند): فعل ماضی استمراری - ساختمان فعل: ساده

۲۶

مانند بود

۲۷

الف) ک ر م / ب) ق ط ع / ج) و ف ق / د) ط ل ق

۲۸

وقیعت - اهمال - اصحاب - مناصحت

۲۹

ترکیب وصفی

۳۰

فعل «است» به قرینه‌ی لفظی حذف شده است.

نکته‌های آس کنکور

واج‌های میانجی یا (چکاوک گیج) «چ، که، ا، و، که، گ، ی، ج»

♦ اگر در زنجیرهٔ گفتار دو مصوّت کنار هم قرار گیرند برای آسان شدن تلفظ، یک صامت میان آن دو می‌آید که همان واج میانجی است.

واج‌های میانجی عبارتند از:

چ، ک، ا، و، که، گ، ی، ج ← یا همان «چکاوک گیج»

♦ در کلماتی که به «ه» یا «ه» ختم می‌شوند اگر بخواهیم آنها را با «ی» مصدری پیوند دهیم، «ه» یا «ه» تبدیل به «گ» می‌شود.

خانه + ی = خانگی / زنده + ی = زندگی / بی‌برنامه + ی = بی‌برنامگی

«ی» ← آشنایان، خدایا، نیفتد، آقای محمدی، اهل روستایند، رهبریت (رهبری + ت)، لیمویی

♦ کلماتی که به «ا» و «و» ختم می‌شوند؛ مانند: خدا، بازو، مو، آشنا و ... اگر بخواهند به واژه یا تکواژی اضافه شوند حتماً «ی» میانجی می‌گیرند. (ن + افتد)

نمونه: «و» ← گیسوان، سازوی (اهل شهر ساری)

♦ کلماتی همانند «گیسو» که به مصوّت بلند «و» ختم می‌شوند اگر بخواهند به تکواژی یا واژه‌ای اضافه شوند؛ مصوّت بلند «و» در آخر کلمه به مصوّت کوتاه

«ت» تبدیل شده بر روی واج قبل از مصوّت بلند «و» قرار می‌گیرد ← گیسو ← گیش

سپس واج میانجی «واو» اضافه می‌شود تا راحت‌تر کلمه را به تکواژی اضافه شده پیوند دهد ← (گیش + ان ← گیسوان)

«ا» ← شبلیایی (شیلی + ا (میانجی) + ی (میانجی) + ی (نسبت) = اهل کشور شیلی) / نکته‌ای نکته + ا (میانجی) + ی (نکره)

«ک» ← پلکان: پله + ان (جمع) ← ک (میانجی) نیاکان ← نیا + ان (جمع) ← ک (میانجی)

«چ» ← انزلی‌چی (انزلی + چ (میانجی) + ی) = اهل انزلی «ج» ← سبزیجات ← (سبزی + ج (میانجی) + ات)

♦ «نکته» کلماتی که به «ه» یا «ه» ختم می‌شوند در صورت اضافه شدن به واج یا واژه‌ای «ه» و «ه»، تبدیل به «گ» می‌شوند.

نمونه: زنده + ی: زندگی



تست (سراسری ریاضی ۹۳)

۱- کدام بیت فاقد «واج میانجی» است؟

- (۱) افسر خاقان و آن‌گاه سر خاک‌آلود
 - (۲) شیرین ننماید به دهانش شکر وصل
 - (۳) بخت پیروز که با ما به خصومت می‌بود
 - (۴) ز عقل اندیشه‌ها زاید که مردم را بفرساید
- پاسخ ۳ بررسی واج میانجی در سایر گزینه‌ها:

(۱) خیمهٔ سلطان / فضای درویش (۲) جدایی (۴) آسودگی

تست (سراسری زبان ۹۳)

۲- در همهٔ ابیات، به جز بیت ... واج میانجی وجود دارد؟

- (۱) ای متقی گر اهل دلی دیده‌ها بدوز
- (۲) بیچاره از مطالعهٔ روی نیکوان
- (۳) آشنایان را جراحات مرهم است
- (۴) می‌کند با خویش خود بیگانگی

پاسخ ۱ بررسی واج میانجی در سایر گزینه‌ها:

(۲) مطالعهٔ روی نیکوان (۳) آشنایان / آشنایی (۴) بیگانگی / آشنایی

پاسخنامه تشریحی کافه سؤال

۱

کبوتران نظر و اشاره او را سرمشق و راهنما قرار دادند.

۲

وگرنه سرزنش‌کنندگان فرصت بدگویی پیدا می‌کنند.

۳

کنایه از «گریست و اشک ریخت»

۴

جلوه‌کنان شروع به دویدن کرد.

۵

دام را پهن کرد.

۶

در زمان آسایش و آزادی همراهی کردن شایسته‌تر است.

۷

شبیبه به شتری بود که افسارش را رها کرده بودند.

۸

اعتماد یارانت نسبت به تو بیشتر می‌گردد.

۹

در حق من سستی و سهل‌انگاری نمی‌کنی

۱۰

ثقت: اعتماد، اطمینان / وقیعت: سرزنش، بدگویی / اهمال: کوتاهی کردن /

ورطه: گرداب / مهمل: بیپوده / همگنان: هم‌تا، هم‌جنسان

۱۱

ثقت: موثق، ثقه / مطوقه: طوق‌دار / موالات: ولی، والی

۱۲

۱) دل از ما بر نگیرد: ما را رها نمی‌کند.

۲) تیمار داشتن: مراقبت کردن

۳) با تجربه بودن

۴) دلش راضی نمی‌شد

۱۳

نوع ادبی: تعلیمی / نوع نثر: مرسل «گاهی مصنوع»

۱۴

عیب‌گرفتن: کنایه از سرزنش کردن

روی تازه داشتن: چهره‌گشاده

حس‌آمیزی: روی تازه

۱۵

یعنی خجالت می‌کشیدم: کنایه

به رگ غیرتم بر می‌خورد: عصبانی می‌شدم: کنایه

۱۶

این: مجاز از خوشی‌های دنیا / دنیا را به من داده‌اند: کنایه از خوشحالی زیاد

۱۷

بدان: «د»: فرایند واجی افزایش

۱۸

صیادی بدحال، خشن جامه، آن درخت: ترکیب وصفی

ترکیب اضافی: ندارد

۱۹

برادرم: معطوف به متمم و «م»: مضاف‌الیه / دراز: تکرار

۲۰

جمله‌دعایی

۲۱

زاویه دید: سوم شخص / درون مایه: قناعت ورزی و خرسندی

۲۲

ص ی د / صیاد، صید، صیدگاه

۲۳

خوش، نزه، درفشان

۲۴

متصید: نهاد / مرغزار: معطوف به نهاد / دم: متمم، نهاد

۲۵

مانستی: می‌مانست (می‌ماند): فعل ماضی استمراری - ساختمان فعل: ساده

۲۶

مانند بود

۲۷

الف) ک ر م / ب) ق ط ع / ج) و ف ق / د) ط ل ق

۲۸

وقیعت - اهمال - اصحاب - مناصحت

۲۹

ترکیب وصفی

۳۰

فعل «است» به قرینه‌ی لفظی حذف شده است.